

مولفه های تمدن توحیدی در حکومت حضرت سلیمان

از منظر قرآن و تورات

چکیده

حکومت توحیدی حضرت سلیمان (علیه السلام) براساس عدالت، قدرت، علم و توحید بوده است. حکومت ایشان الگویی از حکومت توحیدی - دولتی با تمدنی توسعه یافته در همه زمینه هاست و الگویی برای تمدن توحیدی همراه با توسعه اقتصادی، معنوی، علمی و... بر پایه ی باورها و عقاید دینی است و لذا بحث از این حکومت از آن جهت ضروری می شود که می توان با بررسی این مولفه ها تمدن توحیدی معاصر را نیز بهبود بخشید. لذا مقاله حاضر با روش توصیفی - تبیینی و بصورت کتابخانه ای - اسنادی به بررسی موضوع پرداخته است و با بررسی حکومت سلیمان (علیه السلام) در قرآن و تورات، قصد دارد به هدف شناخت این مولفه های تمدن توحیدی در حکومت حضرت سلیمان دست یابد. در این تحقیق ابتدا در بحث مفهوم شناسی به بررسی واژگان حضرت سلیمان (علیه السلام) و مولفه و تمدن پرداخته شده و سپس نقش مولفه های تمدن توحیدی در حکومت حضرت سلیمان در قرآن و تورات بررسی گردیده است. برطبق نتایج این تحقیق، مهمترین مولفه های تمدن توحیدی در حکومت ایشان عبارتند از : اطاعت خدا با وجود گسترش حکومت؛ توسعه عدالت با قدرتی نیرومند؛ توجه به محرومین؛ داشتن کارگزاری عادل، عالم و مومن؛ توسعه صنایع، (ذوب آهن و مس و کشتی سازی و ارايه سازی)؛ توسعه تجاری و بازرگانی؛ توسعه ساختمان سازی و شهرسازی و آبادی. توسعه فرهنگ الهی- توحیدی؛ توسعه سیاسی؛ توسعه روابط خارجی و داخلی؛ مدیریت عالی جهت توسعه دینی؛ توسعه علمی در همه زمینه ها؛ توسعه قدرت نظامی.

کلید واژه: تمدن توحیدی، تورات، حکومت حضرت سلیمان، قرآن، مولفه توسعه.

مقدمه

بر اساس آیات قرآن و مطالب تورات، حکومت سلیمان (علیه السلام) از حکومت های بزرگ و موثر در تاریخ بشر بوده است و مورد توجه ادیان مختلف توحیدی بوده است.

خدا در مورد حکومت سلیمان (علیه السلام) به این مطلب اشاره دارد که ملاک انتخاب رهبر و حاکم از نظر خدا چه مواردی است و برای نمونه، بر اساس آیات، رسول خدا (اشموییل) با وحی الهی طالوت را حاکم آنان کرد که مبنای این انتخاب، مدیریت، فرماندهی، دانش و قدرت جسمی وی بود. بنابراین این تحقیق نشان می دهد که حضرت سلیمان (علیه السلام) توانسته اند با عوامل عدالت، خدا باوری، قدرت، علم و... زمینه های تمدن توحیدی بی نظیری در حکومتشان ایجاد کرده و الگویی برای حکومت های دین مدار و توحیدی باشند بنابراین از جهت الگو گیری از حکومت ایشان بررسی این مولفه ها ضرورت و اهمیت ویژه ای دارد.

در مقاله حاضر، با بررسی تاریخی و نقلی مولفه های تمدن توحیدی در حکومت حضرت سلیمان در قرآن و تورات بررسی خواهد شد. در این تحقیق ابتدا واژه های تمدن، سلیمان (علیه السلام) و مولفه و ... را تعریف کرده و سپس به تبیین موضوع پرداخته می شود و به این سوال اساسی پاسخ داده می شود که مولفه های تمدن توحیدی در حکومت حضرت سلیمان در قرآن و تورات چیست؟

درپیشینه این تحقیق در رابطه با حکومت حضرت سلیمان (علیه السلام)، در تمامی کتب تاریخی و دینی مرتبط به صورت کلی بحث شده است که هر کدام به بخشی از مطالب مربوط به حکومت حضرت سلیمان پرداخته اند. از جمله:

۱. صفری، علی آقا، تحلیل مؤلفه های مدیریتی سوره نمل، مجله: مطالعات قرآن و علوم بهار و تابستان ۱۴۰۰ - شماره ۹. این نویسنده با کاوش در سوره نمل مولفه های مدیریتی را که در رابطه با حضرت سلیمان و برخی انبیای دیگر بوده است «فقط بر اساس این سوره» شرح داده است.

۲. منتظر القائم، اصغر؛ سلیمانی، زهرا؛ توسعه و تمدن سازی در حکومت های دینی، مجله: تاریخ اسلام در آینه پژوهش، زمستان ۱۳۸۸ - شماره ۲۴. در این پژوهش نویسنده چگونگی توسعه و تمدن سازی را در تمامی حکومت های دینی «بصورت کلی» بررسی نموده است.

۳. ترنر، مارک، هیوم، دیوید، حکومت داری، مدیریت و توسعه، ترجمه عباس منوریان، تهران، ۱۳۷۹. در این کتاب روش حکومت داری و چگونگی مدیریت هایی که موجب توسعه کشور و دولت می شود بررسی شده است و تا حدودی از روشهای حکومتهای غیر دینی غالباً استفاده شده است.

۴. شرفی، محمدرضا؛ خسروی، مهدی؛ کیانی، شیوا؛ بازشناسی ارزشهای مهم مدیریتی: در زندگی حضرت سلیمان (ع)، مجله: آموزه های قرآنی، زمستان ۱۳۸۹ - شماره ۱۲. در این مقاله ارزشهای مدیریتی مهم در حکومت حضرت سلیمان (علیه السلام) آمده است ولی با این تفاوت که برخلاف مقاله پیش رو، آقای شرفی در قرآن و تورات این ارزشهای مدیریتی را بیان نکرده و علاوه بر آن تاثیر آن در توسعه و تمدن سازی را نیز تطبیق نکرده است.

بنابراین بر خلاف این کتب، در این تحقیق، فقط نویسنده در صدد است که مولفه های تمدن توحیدی در حکومت حضرت سلیمان در قرآن و تورات را بررسی و تبیین کند.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- تمدن

واژه تمدن با کلمه لاتینی شهرنشین یا شهروندان Civis و نیز شکل وصفی کلمه یعنی civilis مرتبط است. اساساً متمدن شدن یعنی شهرنشین شدن است. این لغت در سال ۱۷۲۲ با مفهوم نزدیک به لفظ تمدن استفاده شده که معنی آن مخالف بربریت است.^۱

تمدن به هر جامعه ی پیچیده ای که دارای ساختار یکجانشینی و دارای طبقه بندی اجتماعی و نیز شکلی از مدیریت اجتماعی و ارتباطی باشد گفته می شود. به لفظ تمدن یا شهرمندی در زبان فارسی مدنیت گویند که گونه ای پیشرفت یافته از جامعه یا سازمان انسانی است و اشاره به تکامل روابط مردمی دارد. پس واژه تمدن معانی مختلفی دارد که مربوط به جامعه بشری می شود.

^۱. کیوان خان، واژه نامه پارسی سره، ص ۲۰.

پس تمدن در اصطلاح عبارتست از نظم اجتماعی که در نتیجه وجود این نظم، خلاقیت فرهنگی ممکن شده و جریان می یابد. تمدن چهار رکن اصلی دارد :

۱. ساختاری اقتصادی

۲. ساختاری سیاسی

۳. آداب و سنتهای اخلاقی

۴. گسترش و توسعه فرهنگ و هنر

ساده ترین تعریف ادبی لفظ تمدن به معنای جامعه ای ترکیبی و پیچیده از این چهار عنصر است و از نظر تاریخی نیز، تمدن ها بعضی عناصر مشترک فوق را دارند. که بعضی از وجوه مشترک توسط وی. گوردون. چیلده چنین بیان شده است:

۱. تکنیک های پیشرفته کشاورزی، مثل نیروی انسانی، آبیاری، خرمن کوب و ... می باشند.
۲. بخشی از جمعیت انسان ها غذایی تهیه نمی کند ولی با تقسیم نیروی کار و کارگران، به جای آن در صنعت، جنگ، علوم یا کارهای مذهبی فعالیت می کنند.
۳. تمدن ها در برابر نیازهای حقیقی مردم خود مسوول بوده و خواهان تکمیل خود برای رفع نیازها هستند و اگر چه درون زایی ندارند ولی با تقلید، خود را تکمیل می کنند.
۴. گروه قانون گذاری توسط دولت یا بروکراسی انجام شده و قدرت سیاسی در شهرها متمرکز می گردد.
۵. موسسات پیچیده و بزرگ، در جوامع متمدن می باشند.
۶. توسعه های بزرگ و پیچیده ی اقتصادی دارد که شامل توسعه تجارت، کسب درآمد، رونق بازار است.
۷. افزایش کیفیت وسایل موجود در جوامع متمدن بیشتر از جوامع ساده است.

۱. گولد و کولب ، فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۲۶۷-۲۶۸.

۸. توسعه هنری.^۱

پس تمدن‌سازی نیز یک نوع خاص از توسعه معنوی و مادی است که در یک جامعه ویژه روی می دهد. توسعه نیز، در این تحقیق مفهوم عام آن است.^۳

۲- مولفه های تمدن توحیدی در حکومت حضرت سلیمان (علیه السلام) در قرآن و تورات

از مهمترین مولفه هایی که در حکومت حضرت سلیمان (علیه السلام) سبب تمدن توحیدی شد عبارت اند از:

۱-۲- پیشرفت علم و تمدن

« وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ؛ وَ يَقِينًا مَا بِهِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ، دَانِش [ویژه] دادیم، و آن دو گفتند: همه ستایش ها ویژه خداست، همان که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمن خود برتری عطا کرده است»^۴

حکومت سلیمان (علیه السلام) الگویی از ساختار توسعه‌مند در حکومت‌های توحیدی است.

حضرت سلیمان (علیه السلام) با کمک موهبت پیامبری از سوی خدا، علم، حکمت و نیروهایی که خدا به تسخیر او در آورده بود، به توسعه جامعه مبادرت نمود.

در آیات قرآن، شواهد روشنی بر مدیریت علمی ایشان وجود دارد و مورخان نیز به توسعه علمی در زمان حکومت سلیمان (علیه السلام) اشاره کرده اند و نیز در زمان حضرت سلیمان (علیه السلام)

۱. گیبون، اف و فروپاشی امپراتوری روم، ج ۴، ص ۱۷۳.

۲. آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۷۷۷ و نیز ص ۴۷.

۳. ظریفیان شفیعی، دین و دولت در اسلام، ص ۲۶.

۴. نمل، ۱۵.

کرد، بتهایی که بعضی از زنانش داشتند و آنها را می پرستیدند.^۱ بنابراین از تورات نمی توان مطلبی که بیانگر این مولفه ها در داستان باشد برداشت نمود.

^۱. تورات، اصحاب یازدهم و دوازدهم از کتاب سموئیل دوم.

نتیجه

حاصل این تحقیق آنکه ملک حضرت سلیمان (علیه السلام) در این مولفه های تمدن توحیدی زیر در عصر خود و تاکنون، کم نظیر بوده است:

اطاعت خدا با وجود گسترش حکومت؛ توسعه عدالت با قدرتی نیرومند؛ توجه به محرومین؛ داشتن کارگزارانی عادل، عالم و مومن؛ توسعه صنایع، (ذوب آهن و مس و کشتی سازی و ارابه سازی)؛ توسعه تجاری و بازرگانی؛ توسعه ساختمان سازی و شهرسازی و آبادی؛ توسعه فرهنگ الهی - توحیدی؛ توسعه سیاسی؛ توسعه روابط خارجی و داخلی؛ مدیریت عالی جهت توسعه دینی؛ توسعه علمی در همه زمینه ها؛ توسعه قدرت نظامی.

حضرت سلیمان (علیه السلام) با کمک موهبت پیامبری از سوی خدا، علم، حکمت و نیروهایی که خدا به تسخیر او در آورده بود، به توسعه جامعه مبادرت نمود و نیز در زمان او پیشرفت های معماری، سنگ تراشی، تزئینات ساختمانی و حجاری پدید آمد و بازرگانی، توسعه شهرها نیز اهمیتی بسزایی یافت و سیطره حکومت او بر تمام حجاز، یمن و سرزمین های فلسطین، شام و روم قدیم بوده است. وی ارزش قانون و فضیلت نظم را به تمامی مردمان ملت خویش آموخته بود و آنان را از جنگ با یکدیگر منع کرد و به گسترش صنعت و ایجاد صلح و آرامش پرداخت. وی سیاستمداری دانا و حکیم و جنگجویی دلیر، بزرگ و نیز رهبر و مدیری توانا و مدبر بود. مورخان معتقدند که ایشان به اهمیت تشکیل یک لشکر و سپاه نیرومند برای دفاع از دولتش آگاه بود و به قدرت دریایی نیز توجه خاصی داشت و از آن برای تمدن سازی و توسعه حکومتش کمک می گرفت. حکومت وی در زمینه تجارتی فعالیت عظیم و گسترده ای داشته است و به دلیل وجود استعداد های و امکانات خاصش از جمله تسخیر نیروی طبیعت و ... ، گسترش سیاسی را نیز در بالاترین درجه اش کسب کرده بود. بنابراین «دولت توحیدی» حضرت با خداپرستی توانسته بود به توسعه ای بیشتر دست یابد که هوشمندی در حکومت دینی، قدرت و نیز سرعت در روابط خارجی و توسعه علمی - اقتصادی از مولفه های مهم آن است.

فهرست منابع و مآخذ

*قرآن، ترجمه : مهدی محمودیان، ۱۳۸۶.

کتاب فارسی:

۱. آلبرایت، ویلیام، آثار فلسطین، ترجمه زکی اسکندر و محمد عبد القادر، ۱۹۷۱.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه، ترجمه پروین گنابادی، تهران، کتاب، ۱۳۴۰.
۳. اقبال، عباس، خاندان نوبختی، تهران، ۱۳۵۷.
۴. بروجردی، محمد ابراهیم، تفسیر جامع، تهران، صدر، ۱۳۶۶.
۵. بابایی، احمدعلی، برگزیده تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲.
۶. بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، ۱۳۷۰.
۷. بیومی مهران، محمد، بررسی تاریخی قصص قرآن، ترجمه مسعود انصاری، تهران، ۱۳۸۳.
۸. بلعمی، ابوعلی، تاریخ نامه طبری، تصحیح محمد روشن، تهران، سروش، ۱۳۷۸.
۹. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، باستان شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن، تهران، ۱۳۸۶.
۱۰. ترنر، مارک، هیوم، دیوید، حکومت داری، مدیریت و توسعه، ترجمه عباس منوریان، تهران، ۱۳۷۹.
۱۱. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران، سمت، ۱۳۸۶.
۱۲. جان، الدر، باستان شناسی کتاب مقدس، ترجمه سهیل آذری، تهران، ۱۳۳۵.
۱۳. حجازی، فخرالدین، نقش پیامبران در تمدن انسان، تهران، بعثت، ۱۳۶۰.
۱۴. دائرةالمعارف الاسلامیه، ترجمه احمد الشنتاوی، ابراهیم زکی خورشید، مصر، بی تا.
۱۵. رسولی محلاتی، هاشم، قصص قرآن تاریخ انبیاء، قم، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۶. ظریفیان شفیعی، دین و دولت در اسلام، تهران، ۱۳۷۶.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۱۸. نجار، عبدالوهاب، قصص الانبیاء، بیروت، بی تا.

۱۹. نفیسی، علی اکبر ، فرهنگ ناظم الاطبا، تهران: خیام، بی تا.
۲۰. نیشابوری، ابواسحاق، قصص الانبياء، تهران، ۱۳۵۹.
۲۱. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، تهران، انقلاب اسلامی، ۱۳۶۷.
۲۲. همدانی، فاضل خان ، کتاب مقدس تورات (عهد عتیق و عهد جدید)، تهران، اساطیر، ۱۳۷۹.

کتاب عربی:

۲۳. ابن خلدون، عبدالرحمن ،تاریخ ابن خلدون، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۷۱.
۲۴. ابن سینا، ابوعلی، الاشارات و التنبيهات، تحقیق دنیا سلیمان، بیروت، النعمان، ۱۴۱۳.
۲۵. ابن اثیر ، علی بن محمد، الكامل فی التاریخ، بیروت، ۱۳۸۵.
۲۶. ابن العبری، تاریخ مختصر الدول، تحقیق: الیسوعی، بیروت، دارالشرق، ۱۹۹۲.
۲۷. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل ، البدایة و النهایة، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷.
۲۸. ثعلبی، قصص الانبياء، قاهره، بی نا، بی تا.
۲۹. زمخشری، ابوالقاسم ، الکشاف عن حقائق التنزیل ، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۶.
۳۰. سیدقطب، فی ضلال القرآن، بیروت، دار العربیه، بی تا.
۳۱. صدوق، من لا یحضره الفقیه، محقق: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳.
۳۲. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان ، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷.
۳۳. طبرسی، ابوعلی، مجمع البیان ، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۴. قرشی، سید علی ، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱.
۳۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۳۶. مسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، قم، دار الهجرة، ۱۴۰۹.
۳۷. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، ۱۳۶۰.
۳۸. مغنیه، محمد جواد، تفسیر الکاشف، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۲۴.

٣٩. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، محقق : علی اکبر غفاری، تهران، ١٣٩٧.

٤٠. نسفی، عمر، مدارک التنزیل و حقائق التأویل، بیروت، ١٩٨٠.

٤١. یعقوبی، ابن واضح، تاریخ یعقوبی، بیروت، داربیروت، ١٣٧٩.